

اصول بنیادین و الزامات راهبردی استحکام ساخت درونی قدرت نظام از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله)

سیداصغر جعفری*

چکیده

زمانی تصور بر آن بود که یک کشور در موقعیتی می‌تواند در عرصه بین الملل ظهور و بروز داشته باشد که وابسته به یکی از قدرت‌های جهانی باشد، وگرنه در مناسبات و معادلات جهانی هضم خواهد شد. اما ظهور انقلاب اسلامی در ایران بر چنین رویکردی پشت پا زد و رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی را وارد ادبیات سیاسی نمود. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین اصول و الزامات راهبردی استحکام ساخت درونی قدرت نظام، به این پرسش اساسی پاسخ خواهد داد که استحکام ساخت درونی قدرت نظام از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بر چه اصولی استوار است و الزامات راهبردی آن شامل چه مواردی می‌شود؟ نتیجه کلی که از این پژوهش حاصل شد نشان می‌دهد که ساخت درونی قدرت نظام با تکیه بر اصولی چون کرامت انسانی، عدالت و برابری، محبت و مهرورزی، سهمیم کردن مردم در امور جامعه و اتخاذ راهبردهایی چون تقویت ایمان و معنویت، تعمیق بصیرت، ارتقای توانمندی‌ها و آمادگی‌های دفاعی، شناخت دشمن، اقتصاد مقاومتی و جهاد علمی و فناورانه مستحکم خواهد شد.

واژگان کلیدی

اصول بنیادین، استحکام ساخت درونی قدرت، عدالت، بصیرت، اقتصاد مقاومتی.

۱. مقدمه

سالیان متمادی تصور آن بود که یک کشور زمانی می‌تواند در عرصه بین الملل ظهور و بروز داشته باشد که وابسته به یکی از ابرقدرت‌های جهانی باشد، وگرنه در مناسبات و معادلات جهانی هضم خواهد شد. مرعوب بودن به پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورهای غربی، پذیرش وجود فاصله غیر قابل جبران با آن کشورها و نیز برتر دانستن توان علمی و هویت فرهنگی کشورهای غربی و اجتناب ناپذیر تلقی کردن دنبال روی از آنها، از جمله عواملی بود که توجه را به ساخت قدرت در بیرون معطوف می‌کرد. اما انقلاب اسلامی ایران که با رهبری‌های حکیمانه امام خمینی ره و با تکیه بر شعار "نه شرقی و نه غربی" به پیروزی رسید، بر چنین رویکردی پشت پا زد و رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی را وارد ادبیات سیاسی نمود.

نگاهی گذرا به وضعیت کشورهایی که با رویکرد ساخت بیرونی قدرت دست به توسعه و ساخت و تقویت قدرت درونی زده‌اند، نشان می‌دهد که اگرچه برخی از آنها در گام‌های ابتدایی توانستند بین خود و دیگر کشورهای پیرامون و منطقه فاصله ایجاد نمایند و به ظاهر برخی از مظاهر تمدنی دنیای جدید را در حوزه‌هایی چون ساخت خودرو، ورود در دنیای الکترونیک و ... کسب کنند، اما پس از سپری شدن سال‌ها معلوم شد که اولاً این کشورها تنها در یک یا دو حوزه تقویت شده، از پیشرفت همه جانبه جا ماندند؛ ثانیاً همین پیشرفت نیز با اتکا به استعدادهای درونی و بومی نبود. مصر، مالزی، ترکیه، عربستان و ... از مصادیق توسعه و پیشرفت با چنین رویکردی به ساخت قدرت محسوب می‌شوند که امروزه با مشکلاتی دست به گریبان هستند. ماهاتیر محمد که از او به عنوان عامل دگرگونی و توسعه کشور مالزی و از اقتصاد کشورش روزگاری تحت عنوان بیر اقتصادی منطقه نام برده می‌شد، خود در مقطعی با ظاهر شدن پیامدهای اقتصاد وابسته در باره غیرواقعی بودن الگوی توسعه بیرونی، گفته بود: بعد از بحران‌های اقتصادی معلوم شد که بهترین راه برای حل این بحران مالی، تکیه بر کسانی است که از همه نسبت به کشور مالزی، دلسوزترند، یعنی مردم این کشور (ماهاتیر محمد، ۱۳۸۲).

جمهوری اسلامی ایران با گذشت قریب به چهار دهه از زمان پیروزی انقلاب ثابت کرد که با

اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی می‌توان پیشرفت نمود و در عرصه جهانی و مناسبات بین‌المللی نقش آفرینی کرد. به همین دلیل است که محوری‌ترین رهنمود مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر برای رشد و پیشرفت همه جانبه‌ی کشور و مقابله با مانع تراشی‌های دشمنان، توجه به «قدرت درون‌زا» بوده است:

«در پیشرفت به سمت هدف‌های آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰).

این که استحکام ساخت درونی قدرت نظام چیست، اصول و الزامات راهبردی آن شامل چه مواردی می‌شود، پرسش‌های اساسی است که تحقیق حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) آن را تبیین خواهد کرد.

پیشینه تاریخی «استحکام ساخت درونی قدرت» به اندیشه‌های حضرت امام خمینی رحمته‌الله بر می‌گردد که ملت ایران برای دستیابی و تحقق آن، انقلاب بزرگی را به وجود آورده‌اند. در واقع، اتکاء به درون و استقلال در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی - امنیتی بر مبنای آیه نفی سبیل «كُنْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)، یکی از اصلی‌ترین اهداف مردم در مبارزه با رژیم پهلوی بوده است. بر این اساس می‌توان گفت که در ادبیات معاصر دو نوع رویکرد به ساخت قدرت وجود دارد که عبارتند از: ۱. رویکرد ساخت بیرونی قدرت ۲. رویکرد ساخت درونی قدرت. انقلاب اسلامی ایران با رهبری حضرت امام رحمته‌الله محصول پیروزی رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی بوده است.

۲. مفهوم شناسی

۲ - ۱. مفهوم استحکام ساخت درونی قدرت در ادبیات معاصر

باری بوزان^۱ استاد روابط بین‌الملل در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» بیان می‌کند، هر دولتی الزاماً

1 Barry Buzan

باید:

۱. دارای پایگاه مادی متشکل از جمعیت و سرزمین قابل توجه باشد.

۲. دارای نهادهایی باشد که پایگاه مادی را هدایت کند و بر آنها حکومت کند.

۳. دارای یک ایده مشروع از نظر مردم باشد.

نهادهای دولت یعنی تمام دستگاه‌های حکومت از جمله سازمان‌ها، مراحل و هنجارهای اجرایی، قانونگذاری و اداری یا قضایی که از طریق آنها فعالیت می‌کند. پایگاه مادی دولت متشکل از مردم و سرزمین، از جمله همه منابع طبیعی و ثروت ساخته دست انسان در درون مرزهای آن می‌باشد. این جزء بخش محسوس دولت است که قلمرو دولت را تعیین می‌کند. ایده دولت تعیین کننده فلسفه وجودی دولت است و رشته‌ای است که مردم را به یک موجودیت سیاسی - اجتماعی پیوند می‌زند. به دلیل این که ماهیت دولت بیشتر اجتماعی - سیاسی است و نه فیزیکی، قلب دولت در ایده‌ای است که در اذهان مردم جاری است. لذا خود این ایده موضوع اصلی امنیت ملی را تشکیل می‌دهد. دولتی که ایده اتصال دهنده نداشته باشد از لحاظ ادامه موجودیت در نظام رقابت آمیز بین المللی مشکل خواهد داشت. از نظر باری بوزان به خاطر نقش اجزای سه‌گانه دولت (ایده دولت، پایگاه مادی دولت و مظاهر نهادی دولت) و ارتباط متقابل آنها توانایی دولت مترادف با قدرت دولت نیست. قدرتهای ضعیفی مانند اتریش، هلند، نروژ و سنگاپور، همگی دولتهایی قوی هستند. در مقابل قدرتهای بزرگی مانند آرژانتین، برزیل، نیجریه، اندونزی و پاکستان دولتهای ضعیفی محسوب می‌شوند. حتی قدرتهای بزرگی مانند شوروی سابق و چین دارای ضعف‌های جدی بوده و هستند. زیرا شوروی نتوانست که ملیتهای متعدد خود را در یک هویت فراگیر ایدئولوژیک حل کند و چین با بحران روزافزونی در تفسیر ایدئولوژی سازمان دهنده خود روبرو می‌باشد. لذا هر دو نیازمند حفظ نیروی امنیتی قوی و گسترده در داخل خود بوده و هستند (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰: ۱۲۹ - ۱۷۰).

۲ - ۲. استحکام ساخت درونی قدرت از نظر مقام معظم رهبری

از نظر مقام معظم رهبری: «استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راههای مطلوب خودشان و به سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد» (بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). ایشان در تبیین این موضوع می‌فرمایند:

« نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون

اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است» (بیانات در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

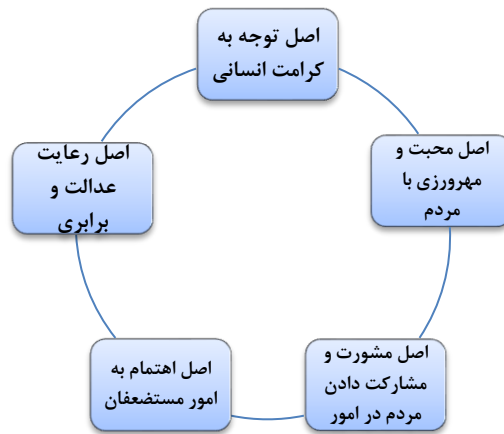
مقام معظم رهبری در ادامه در چستی ساخت درونی می‌فرمایند: «آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است» (بیانات در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

با توجه به بیانات یاد شده، ساخت درونی نظام از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، عبارت است از این که اجزاء و عناصر نظام به گونه‌ای همبسته، مقوم و هم‌افزا باشند که کشور بتواند روی پای خود بایستد و عزت و سرافرازی خود را بدون وابستگی به دیگران حفظ و توسعه دهد.

۲-۳. اصول بنیادین ساخت درونی قدرت نظام

در مفهوم اصل بنیادین^۱ می‌توان گفت: بنیادین بودن بدان خاطر است که وجود آن اصول مایه قوام و نبود آنها موجب زوال نظام سیاسی می‌شود. بنابراین، هرگاه این اصول به درستی شناخته شده و به طور کامل اجرا شود، نه تنها ضامن ایجاد و حفظ عدالت اجتماعی و امنیت و آرامش خاطر و آسایش مردم جامعه است، بلکه بالاتر از آن، عامل مهمی است که جامعه را از زوال و ناپایداری ایمن خواهد کرد.

اصول بنیادین ساخت درونی قدرت نظام از دیدگاه مقام معظم رهبری که در شکل زیر (شکل ۱) آمده است، عبارتند از:



شکل ۱: اصول بنیادین استحکام ساخت درونی قدرت نظام

۲- ۳- ۱. اصل توجه به کرامت انسانی

انسان موجودی است دارای کرامت ذاتی که از آفریدگار خویش به ارمغان گرفته است و این کرامت، از نخستین روزهای تکوین و شروع رشد وی به سمت انسان کامل شدن با او همزاد و همراه شده و تا هنگامی که خود را از شایستگی این کرامت محروم نکرده است، جاودانه خواهد ماند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۷۶) بنابراین، کرامت انسانی^۱، حیثیت و ارزشی است که تمام انسان ها به طور ذاتی و یکسان از آن برخوردارند. (Kant, 1948: 96)

در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسان ها ثابت شده است که عبارتند از (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۴):

۱. کرامت ذاتی که همه انسان ها، مادامی که با اختیار خود - به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران - آن کرامت را خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰).

۲. کرامت ارزشی (اکتسابی) که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۴). بر مبنای کلام وحی این کرامت، صرفاً بر پایه تقوا به دست می آید (حجرات، ۱۳).

مقام معظم رهبری با تاکید بر اینکه احترام به تک تک انسان ها در یک جامعه تولید عزت می-

1 Human Dignity

کند (بیانات در بیستمین سالگرد رحلت حضرت امام تجرت ۱۴/۰۳/۱۳۸۸)، در مناسبتی دیگر در این باره فرمودند: «هر جا هستید و هر یک از قوای سه گانه ... به مردم حقیقتاً خدمت کنید و وقت بگذارید. این مردم را تکریم کنید، احترام کنید. همه جا همه‌ی انسان‌ها در خور تکریمند» (بیانات در دیدار مسئولان اجرائی استان فارس ۱۸/۰۲/۱۳۸۷).

مهم‌ترین درس از این اصل این است که اگر متولیان نظام سیاسی گوهر کرامت و عزت مردم را پاس دارند، در این صورت نظام سیاسی از قدرت نفوذ ناپذیری برخوردار خواهد شد.

۲ - ۳ - ۲. اصل محبت و مهرورزی با مردم

یکی از مهم‌ترین اصولی که در ساخت قدرت جامعه موثر است، اصل محبت و مهرورزی با مردم می‌باشد. انسان‌ها تشنه‌ی محبت‌اند و دل‌های آنان اسیر کمند محبت می‌شود. به طور طبیعی هر فردی از دیگران انتظار برخوردی خوش و انسان دوستانه دارد و هرگاه تحت تاثیر عواطف دیگران نیز قرار می‌گیرد، به ناچار عواطف انسانی خویش را بروز می‌دهد. (الهامی نیا، ۱۳۸۳: ۷۱) در واقع، محبت به عنوان یک نیاز اصیل روحی، در زندگی انسان و تأمین سلامت روحی و روانی او نقش بسزایی دارد و به آن حلاوت خاصی می‌بخشد (سادات، ۱۳۸۰: ۱۱۷ - ۱۰۷).

از نگاه مقام معظم رهبری، حکومت‌های مختلف بشری از حیث مدل و نحوه‌ی حکومت کردن به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند: دسته‌ی اول نظام‌های پلیسی مانند سیستم‌های استبدادی کمونیستی، سلطنتی و شبه سلطنتی با ویژگی‌های خاص خود هستند و دسته‌ی دوم دموکراسی‌های غربی هستند که با تزویر و تبلیغات اداره می‌شوند. اما سومین شیوه، نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود. نظام اسلامی با دو شیوه‌ی اول اداره نمی‌شود، بلکه با محبت و عطف مردم اداره می‌گردد. زیرا این شیوه حکومت سبب می‌شود که مردم به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۰/۰۵/۲۳). بنابراین:

«فلسفه مسئولیت پیدا کردن مسئولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسئولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی به دست می‌آورد، باید همه هم و غم‌ش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است» (بیانات در مرقد مطهر امام خمینی تجرت ۱۴/۰۳/۱۳۸۰).

۲ - ۳ - ۳ . اصل رعایت عدالت و برابری

در منظر قرآن کریم، همه افراد در اصل انسانیت (نساء، ۱)، در حقوق و تکالیف و نیز در داوری و اجرای قانون برابر و دارای حقوقی یکسان هستند (نساء، ۵۸ و ۱۳۵). در این مکتب، هیچ کس نمی-تواند خود را مافوق قانون دانسته، حقوق دیگران را تباه سازد و خویشتن را از کیفر عملش مصون بدارد، بلکه همه در برابر قانون یکسان و مساویند. لذا «در نظام اسلامی باید ... هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام علیه السلام ۱۳۶۹/۰۳/۱۰).

در واقع، حکومت در نظام اسلامی عهده‌دار اداره همه ابعاد جامعه از هدایت امور دینی و فرهنگی گرفته تا تنظیم مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؛ به صورتی که همه مردم بی هیچ گونه تبعیض از حقوق اجتماعی مساوی برخوردار بوده و بتوانند در سایه حکومت اسلامی به خواست‌های مشروع خود دست یابند و در مسیر سعادت و رستگاری سیر نموده و به کمال مطلوب برسند، به همین دلیل کارگزاران و مسئولان حکومتی موظف‌اند در همه جنبه‌ها و زمینه‌ها حرمت و منزلت انسان‌ها و حقوق مردم را به طور کامل رعایت نمایند و از هر گونه تعدی و ظلم و بی‌توجهی به مردم اجتناب کنند (میرتاج‌الدینی، ۳۷۶ : ۹۱). در این صورت، ملت به حاکمان خود علاقمند می‌شود و از نظام خود حمایت و پشتیبانی خواهد کرد:

«جامعه‌ی اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد و مبشر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه‌ی ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۱/۰۳/۳۰).

۲ - ۳ - ۴ . اصل مشورت و مشارکت دادن مردم در امور

عمل به شورا و سهیم کردن مردم در امور جامعه در اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند متعال به رسولش، مشورت با یارانش را دستور می‌دهد (آل عمران، ۱۵۹). جامعه‌ای که به مشورت با مردم اهمیت دهد جامعه‌ای پویا، با نشاط و شکوفا است. زیرا آن جامعه از استبداد و تنگ نظری و عدم ارزش برای مردم دور بوده و نشان خواهد داد که چگونه جامعه با مشورت و نظرخواهی با توده مردم اداره خواهد شد و جلوی بزرگ‌ترین آفت حکومتی یعنی استبداد و خودکامگی را خواهد گرفت. و از سوی دیگر، حضور و مشارکت مردم، در نظام دینی مفهوم حفظ و استمرار نظام اسلامی

و استحکام ساخت درونی قدرت نظام می‌باشد:

به نظر مقام معظم رهبری، صاحب و مالک کشور، مردم هستند و به همین دلیل، امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نیز تأکید داشتند که ابتکار عمل، ورود در صحنه‌های کشور و انجام کارها به دست مردم سپرده شود و این، جزء ابتکارات امام بود (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۷۵/۰۶/۰۸)؛ چرا که وقتی کارها به مردم سپرده شود، به سرانجام خواهد رسید. بنابراین، اگر مسئولان بخواهند کارها و بالاتر از آن نظام اسلامی سامان یابد، باید در تدبیر و برنامه ریزی‌شان در هر برهه‌ای، با برنامه ریزی دقیق و ملاحظه همه جوانب امور، کارها را در اختیار مردم قرار دهند. تجربه این چند ساله نیز نشان داده است که

«از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محول به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است. هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. ... اگر متوقف نمانده است، گند پیش رفته است؛ اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند» (بیانات در دیدار با مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

در واقع، مشارکت دادن مردم در امور مایه الفت اجتماعی و پیوند آنان با یکدیگر می‌شود و نشان خواهد داد که توده مردم در سرنوشت خویش شریک بوده و انزوا و کناره‌گیری از مسایل اجتماعی از آنها دور می‌باشد. وقتی متولیان نظام به این اصل پایبند باشند، روحیه مسئولیت‌پذیری در مردم قوت گرفته و پیوندها محکم شده و فاصله‌ها میان دولت و مردم از بین رفته و همگان در میدان تلاش و پیشرفت جامعه مشارکت خواهند کرد و نظام را از هرگونه گزند صیانت خواهند نمود.

۲ - ۳ - ۵ . اصل اهتمام به طبقه ضعیف و محروم

مهم‌ترین مسئولیت حکومت اسلامی برپا ساختن عدالت اجتماعی، رفع تبعیضات ظالمانه، کم کردن فاصله طبقاتی، فقر زدایی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان است، زیرا سیره و آرمان همه پیامبران، به خصوص پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام در طول تاریخ همین بوده است. مسئولان حکومت اسلامی وظیفه دارند تحقق این آرمان مقدس الهی را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند و در این باره تلاش کنند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (اصول کافی، ۲، ۱۶۴): هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک‌خواهی کسی را بشنود و به کمکش

نشتابد، مسلمان نیست.» همچنین امام علی علیه السلام فرمودند: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷): همواره دشمن ستمگر و یار و یاور مظلوم باشید.»

مقام معظم رهبری با تاکید بر اینکه دفاع از قشرهای محروم - که صاحبان واقعی انقلابند - باید در رأس همه برنامه ریزی‌های کشور و محور کلیه تحرکات اقتصادی در بخش‌های مختلف قرار گیرد؛ زیرا بیشترین بار نظام را در همه مراحل، طبقات محروم و تهیدست و کم درآمد بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند (پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام رحمته الله ۱۳/۰۳/۱۳۷۰)؛ در مناسبتی دیگر، استحکام قدرت درونی نظام را تامین رفاه و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و شرف طبقات مستضعف و محروم و پا برهنه یاد نموده و فرمودند:

«مسئولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابرنه باشند. مراد کسانی است که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه کارگری، همین معلمان، همین قشرهای محروم و همین کارمندانی که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می‌روند دفاع می‌کنند و سینه سپر می‌سازند» (بیانات در دیدار کارگران و معلمان ۱۴/۰۲/۱۳۷۹).

البته اگر روی طبقات محروم و پابرنه‌گان کشور تکیه می‌شود، این «نه این که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد ... [زیرا] در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختی‌های نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرنه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند» (بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی رحمته الله ۱۴/۰۳/۱۳۸۰).

۲ - ۴. الزامات راهبردی ساخت درونی قدرت نظام

راهبردهای ثابت بخش ساخت درونی قدرت، هم در حوزه نرم افزاری و هم در حوزه سخت افزاری با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و توانمندی‌های داخلی قابل تعریف است. الزامات راهبردی ساخت درونی

قدرت نظام استخراج شده از تحلیل محتوای فرمایشات مقام معظم رهبری که در شکل ۲ آمده است، می‌توان به شرح زیر نام برد.



شکل ۲: الزامات راهبردی ساخت درونی قدرت نظام

۲ - ۴ - ۱. استحکام معنویت و روح ایمان

آموزه‌های اسلامی عمیق‌ترین و جامع‌ترین معارف را در ابواب گوناگون عرضه می‌دارد و افزون بر آن اعمال شایسته را به بهترین شکل تبیین کرده است که می‌تواند معنویت بزرگ را پایه گذاری نماید. خداوند، منبع، محور و بخشنده معنویت است و بدون ارتباط با او از رهگذر بندگی واقعی و عبودیت، معنویت پوچ و مجازی است و معنویت منهای خدا چیزی جز فریب و دلمشغولی ظاهری نیست. حیات طیبه و تابش انوار ربوبی بر قلب از سوی خدای تعالی است و ایمان و عمل صالح زمینه آن را فراهم می‌سازند. بنابراین معنویت افاضه‌ای از سوی حق است (الهامی نیا، ۱۳۹۰: ۲۳). قدم اول در رسیدن به معنویت، ایمان به خدا و روی آوردن به خالق هستی است. ایمان، رابطه محکم و نیروی درونی است که انسان با معبود خود برقرار می‌سازد تا به آنچه که موجب رضایت خداوند است دست یابد. تمام اعمال نیکو و پسندیده انسان از ایمان کامل نشأت می‌گیرد. هر چه ایمان و اعتقاد انسان به خداوند تبارک و تعالی بیشتر و محکم‌تر باشد، رفتار نیک و شایسته و توانمندیش در برابر دشمن

زیادتر می‌شود. برعکس، اگر باورها و اعتقادات در انسان سست و ضعیف شود، قدرت و اعتماد به نفس در او کاهش می‌یابد و در نتیجه در برابر دشمن خوار و ذلیل خواهد شد.

در نگاه مقام معظم رهبری اصلی‌ترین راهبرد استحکام ساخت درونی قدرت نظام «در درجه‌ی اول با ایمان صحیح و راسخ و با اتحاد آحاد مردم و با عمل درست مسئولین کشور و با همراهی مسئولان و آحاد مردم و با توکل به خدای متعال انجام خواهد گرفت» (۲۰/۰۶/۱۳۹۲). چرا که:

«مادامی که شما ایمان و تقوا و عمل صالح را برای خودتان حفظ می‌کنید؛ تمام قدرت خدا، تمام نوامیس طبیعت و تمام امکانات یک گروه برگزیده در اختیار شماست. در میدان سازندگی، در میدان توطئه‌ی تبلیغاتی، در میدان مبارزه و تهاجم فرهنگی، در میدان خلیقات مردم، در میدان باز یک حرکت نظامی - که البته بسیار مستبعد است - و در هر میدان دیگر اگر دشمن با همه‌ی حجم و قدرت و تنوع و ابزار تبلیغاتی و با همان ساز و برگ نظامی وارد شود ... در مقابل ملت و همین جوانان مؤمن و خانواده‌های جوشان از عاطفه و ایمان، هیچ غلطی نخواهد توانست بکند.» (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه ۱۳۷۴/۰۶/۲۹)

زیرا انسان‌های با ایمان از روحیه تلاش مضاعف برخوردار شده و به انسان‌های آبدیده‌ای تبدیل می‌شوند و در همه عرصه‌های زندگی آن را بروز خواهند داد. پیروزی جوانان حزب الله لبنان بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده‌ی رژیم صهیونیستی شاهد مثالی از داشتن چنین روحیه است. چرا که این دسته از جوانان با سلاح ایمان، با اعتماد به نفس و با تکیه به قدرت فائقه‌ی الهی، و بدون برخورداری از تجهیزات پیچیده و پیشرفته توانسته بودند بر ارتش تا دندان مسلح به ابزارهای پیچیده‌ی اسرائیل فائق آیند (بیانات در مراسم مشترک دانشگاه‌های ارتش ۱۳۸۳/۰۷/۲۲).

۲ - ۴ - ۲. تعمیق بصیرت

بی‌تردید یکی از مسئله‌های بسیار مهمی که موجب پیشرفت و تعالی یک جامعه خواهد شد، مسئله آگاهی است. صعود و پیشرفت در اثر آگاهی به وجود می‌آید و افول و سقوط، نابودی و تباهی هم در اثر عدم آگاهی و بی‌خبری حادث می‌شود. یکی از شاخص‌های بسیار مهم آگاهی و شناخت، بصیرت است. عنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، از مهم‌ترین صفات و شرایط برای حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. به همین لحاظ، کارآترین و موثرین حربه علیه توطئه -

ها و حفظ و افزایش عناصر قدرت در درون نظام، آگاهی و بصیرت است.

بصیرت، در لغت به معنی بینایی، دانایی، دوراندیشی، و زیرکی است، و در اصطلاح، می‌توان به یک معرفت درونی و عمیق انسانی نسبت به آنچه پیرامون خود می‌گذرد، تعریف کرد (ستوده نیا، و سادات پور، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در نظر مقام معظم رهبری نیز بصیرت به معنای بینایی دل است، بینایی برگرفته از قدرت تحلیل صحیح (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). بنابراین، کسی که عمق مسایل و حوادث را با تیزبینی و زیرکی درک کند و حقایق و واقعیت‌ها را خوب تشخیص دهد، دارای بصیرت است.

وجود بصیرت در امر دفاع از مکتب و افزایش عناصر قدرت در درون نظام، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. زیرا اولاً «دشمن پیچیده است و در مواجهه با انقلاب و ملت ایران، مرموزانه عمل می‌کند. غالباً لباس دشمنی نمی‌پوشد؛ بلکه با چهره‌ی نفاق، دورویی، فریب، تبلیغات، شایعه پراکنی، ایجاد دلسردی و زنده کردن انگیزه‌های گوناگون قومی و تاریخی و فرقه‌یی، جلو می‌آید» (سخنرانی در جمع مردم عشایر خوزستان و نجف آباد ۱۳۶۸/۰۳/۱۹). ثانیاً تا عنصر بصیرت و هوشیاری وجود نداشته باشد، واقعیت‌ها تشخیص داده نشده و حقایق فهمیده نمی‌شود. در نتیجه، فرد فاقد بصیرت، درک و فهم درستی از اوضاع و احوال نخواهد داشت و از مسیر اصلی منحرف شده و هدف را گم خواهد کرد:

«یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد.» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

بنابراین، برای منحرف نشدن از مسیر اصلی، گم نکردن هدف، کندسازی همه‌ی تیغ‌های دشمن، جلوگیری از ضربه دشمن (۸۸/۵/۱۲) باید به عنصر بصیرت تکیه کرد. زیرا علت اینکه «نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، پایدار ماند و رشد کرد، به برکت اخلاص، بینش و بصیرت بود که اتفاق افتاده است» (بیانات در دیدار بسیجیان همدان ۱۳۸۳/۴/۶).

۲ - ۴ - ۳. حاکمیت تفکر بسیجی

بسیج، تعبیر خیل عظیم مومنین در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال، ۶۲) است که در قامت شجره طیبه و درختی تناور و پر ثمر جلوه‌گر شد. بسیج که به لطف انفاس قدسی امام همام ت در دایره المعارف انقلاب اسلامی جای گرفت؛ زمانی به وجود آمد که اصل انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در معرض تهدید قرار داشت و این تهدیدها محدود در عرصه‌های نظامی نبود، بلکه تهدیدها و خطرهای همه جانبه بود. از این رو، حضرت امام ت با طراحی مدلی به نام تفکر و فرهنگ بسیجی توانستند توطئه‌ها و تهدیدات دشمن را در میادین مختلف خنثی کنند. از این رو، یکی از عوامل مهمی که می‌تواند در در حفظ و افزایش عناصر قدرت در درون نظام از آن برای مواجهه با تهدیدهای فراروی نظام مورد استفاده قرار داد، وجود فرهنگ و تفکر بسیجی است. «تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هوشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر» (پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۰۷/۱۴) و «فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه‌ی معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده‌ی حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند.» (بیانات در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۹/۰۶). باید پذیرفت که ایران اسلامی در جنگ همه جانبه قرار دارد، در این بین نقش بسیجیان بسیار پر رنگ است. زیرا در مسیر انقلاب همواره دشمنانی وجود داشته‌اند که از ابتدا تا حال حاضر، به شکل‌های گوناگون و در شیوه‌های گوناگون اعم از فرهنگی، نظامی و اقتصادی مشکلاتی را برای این کشور به وجود آورده‌اند که تمامی آنها با تکیه بر فرهنگ و تفکر بسیجی مدیریت شده‌اند:

«ما در میدان جنگ هم اگر بسیج را نداشتیم، کمیتمان لنگ بود. در دوران بعد از پایان جنگ هم اگر بسیج نمی‌بود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام و همه‌ی حرکت‌های سازنده‌ی این کشور لنگ است ... تا زمانی که برای این کشور امنیت لازم است و تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد - یعنی همیشه؛ چون همیشه احتیاج به امنیت هست - به نیروی بسیج، به انگیزه‌ی بسیجی، به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج هست» (بیانات در دیدار سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۰۶/۱۰).

۲ - ۴ - ۴. ارتقای آمادگی‌های دفاعی

ارتقای توانمندی و آمادگی‌های دفاعی یک عامل مهم در توازن قدرت است که در استراتژی معاصر

از آن به بازدارندگی^۱ تعبیر می‌شود. بازدارندگی، یکی از ابزارهای تلاش دولت برای نفوذگذاری بر دیگران است که از طریق آن تصمیم‌گیرندگان یک دولت با تهدید دشمنان بالقوه به تلافی، درصد جلوگیری از برخی اعمال آنها بر می‌آیند (هالستی، ۱۳۷۶: ۴۸۱). بی‌تردید داشتن ارتشی مقتدر و مجهز به مدرن‌ترین ابزارها و تسلیحات پیشرفته متعارف برای تولید قدرت، بنا به دستور قرآنی (انفال، ۶۰) که وظیفه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور را در برابر هرگونه تهدید و تجاوز بر عهده دارد، در عرصه جهانی واقعیتهای بدیهی و انکارناپذیر است. چرا که تاکنون هیچ نهاد بین‌المللی قدرتمند و بی‌طرفی که بتواند از وقوع درگیری‌های مسلحانه جلوگیری کند، وجود ندارد:

«در دنیائی که هنوز متأسفانه تکیه‌ی به قدرت سرنیزه و اسلحه می‌تواند در ارتباط میان ملت‌ها و کشورها تعیین‌کننده باشد، در دنیائی که قلدرانی با داشتن مشتهای پولادین بخواهند سرنوشت ملت‌ها را در دست بگیرند - در دنیای مادی - آن ملتی از آسیب محفوظ می‌ماند که ثابت کند آماده‌ی دفاع است.» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع) ۱۳۹۰/۰۸/۱۹)

البته مراد از تولید قدرت، توسل به زور و ایجاد هراس و وحشت نیست، بلکه مراد از آن، پیشگیری از خیال تجاوزی است که ممکن است در سر سایرین باشد و همان احترام و هیبتی است که به واسطه آمادگی در دل دیگران ایجاد می‌کند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). خداوند متعال پس از آن که در سوره انفال، آیه ۶۰ دستور آمادگی جنگی را صادر کرد؛ در ادامه همین آیه، علت آن را نیز ذکر کرده و فرمود: «...تُرهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ... تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!» زیرا وقتی دشمنان، بدانند مسلمانان آماده مبارزه‌اند و همه‌گونه سلاح و تجهیزات دفاعی را در اختیار دارند و متجاوزان را پاسخ دندان شکن می‌دهند، اقدام به تعرض و تجاوز نمی‌کنند. بر مبنای چنین اندیشه‌ی قرآنی است که مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۷/۱۰/۲۱)؛ «ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای» را مورد تأکید قرار داده‌اند. منظور از بازدارندگی آن است که قوت و توان نظامی و دفاعی کشور به حدی رشد کند که خود این توان نظامی باعث ترس دشمن از آغاز هر نوع حمله و یا صدمه‌ای شود:

«آمادگی شما نیروهای مسلح - چه ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه بقیه‌ی

مجموعه‌های نیروهای مسلح - فقط به معنای این نیست که در نبرد بر دشمن پیروز بشوید، بلکه معنای دیگر آن مصون نگه داشتن کشور از نیت بد دشمنان است. وقتی شما آماده باشید، وقتی شما مجهز باشید، وقتی مسلح به ایمان، مسلح به علم، آماده‌ی فداکاری باشید، دشمن جرئت نمی‌کند به طرف شما گامی از روی بدخواهی بردارد» (بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر ۱۳۹۴/۰۷/۰۸).

۲ - ۴ - ۵ . شناخت دشمن

یکی دیگر از الزامات راهبردی ساخت درونی نظام، دشمن شناسی است. چرا که تا به طرز تفکر، میزان قدرت و توانایی، سیاست‌ها، روش‌ها و تاکتیک‌های دشمن شناخت حاصل نشود، نه تنها مقابله و مبارزه مؤثر با آن امکان پذیر نخواهد بود، بلکه قدرت درونی حاصل نخواهد شد. پیامبر اسلام ﷺ در اهمیت و لزوم شناخت دشمن می‌فرمایند: «أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدُ عَرَفَ رَبَّهُ فَاطَاعَهُ، وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ» (بحار الانوار، ۷۴، ۱۸۱) آگاه باشید! عاقل‌ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند، و دشمنش را نیز بشناسد و آنگاه نافرمانیش نکند. امروزه دیگر دشمن تنها از ابزار سخت (مبتنی بر تسلیحات و تجهیزات نظامی) برای مقابله با نظام استفاده نمی‌کند، بلکه با بهره‌گیری از مولفه‌ای تأثیرگذار حداکثری بدون توسل به زور (Gene Sharp, 2005: 2423 - 433) یعنی ابزار نرم و بنا به تعبیر مقام رهبری «جنگ نرم» برنامه‌های خود را عملی می‌کند. چرا که معمولاً ملت‌ها در برابر تهدیدات و تهاجم فیزیکی و نظامی دشمنان به دلیل ماهیت روشن آن بلافاصله واکنش نشان می‌دهند، اما در برابر دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری نظام سیاسی، فکر و اندیشه، باور و ارزش‌ها و آرمان‌ها که مورد یورش و آماج قرار می‌گیرد، چون همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه‌ی القاء و اقناع انجام می‌پذیرد؛ به دلیل بی‌بصیرتی، عدم آگاهی و یا بی‌مبالاتی، از کنار آن می‌گذرند (نائینی، ۱۳۸۶)؛ حال آنکه این نوع تهدید و تهاجم، ساخت درونی قدرت نظام را نشانه گرفته و نظام را از درون مضمحل می‌کند. لذا:

« باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیائیم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به

کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۰۷/۰۲). «تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه‌ی دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابله‌ی با آن. دشمن به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیست‌ها هستند، دولت آمریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ می‌پوشند، گاهی لباس روباه می‌پوشند؛ گاهی چهره‌ی خشن و خصمانه‌ی خودشان را نشان می‌دهند، گاهی چهره‌ی فریب‌گرانه نشان می‌دهند؛ باید متوجه بود» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۰۱/۰۱).

۴-۶. پایبندی به ارزش‌ها

ارزش از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و هم‌چنین شکل‌گیری حیات اجتماعی است، برای همین ارزش‌ها، معیارهایی هستند که به فرهنگ کلی و جامعه معنا می‌دهد. (نیک گوهر، ۱۳۶۹: ۲۸۰) جامعه‌ای می‌تواند متضمن سعادت آدمی باشد که پیش از هر چیز خود از هویتی ثابت و قوی برخوردار باشد و این وابسته به ارزش‌هایی است که در آن جامعه حاکم است، زیرا جامعه هویت و ثبات خود را از ارزش‌هایش می‌گیرد. از این رو، ارزش‌های حاکم باید خود از ثبات و دوام برخوردار باشند تا بتوانند در هر زمان و مکانی چون چراغی فروزان راه رفتارهای فردی و اجتماعی افراد را هموار سازند و این چنین توانی را تنها باید در ارزش‌های دینی جستجو کرد. زیرا ارزش‌های دینی به دلیل اتصال‌شان به وحی نوعاً ثابت و لایتغیرند. ارزش‌هایی که ریشه در ذوق و سلیقه افراد دارند از ثبات لازم و کافی برخوردار نیستند و ارزش‌هایی که دائم در حال تغییر و دگرگونی‌اند، توانایی ایجاد و حفظ وحدت و ثبات و انسجام در جامعه را ندارند. (محرابی، ۱۳۸۸: ۱۳).

یکی از اقدامات نظام سلطه در جوامع اسلامی آن است که مردم را به ارزش‌های غیراسلامی نزدیک کنند، یعنی «لباس‌شان مثل لباس آنها، رفتارشان مثل رفتار آنها، بینش‌شان مثل بینش آنها و اعمال‌شان هم مثل اعمال آنها باشد» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۳/۰۳/۰۸) تا از آن طریق بهتر بتوانند سیطره خودشان را گسترش دهند. کاری که در گذشته در اندلس انجام دادند. به اذهان بسیاری از تحلیل‌گران تاریخ اندلس، یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط آن تمدن بزرگ، تغییر باورها و ارزش‌های اسلامی در میان حاکمان و مردم سرزمین بود که دشمنان توانستند با یک برنامه‌ریزی حساب شده و با تهاجم فرهنگی، جامعه اندلس را از درون فرو ریزند (شریفی، ۱۳۹۲: ۳۷). این حربه

را می‌توان در عصر حاضر نیز مشاهده کرد (بیانات در دیدار جوانان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶). بنابراین، توجه و پایبندی به ارزش‌ها یعنی ایمان، استکبارستیزی، ایستادگی در مقابل دشمن، ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافی‌گری، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، فتح قله‌های دانش، سعی برای ایجاد برادری و برابری، رواج اخلاق فاضله، تقوا در رأس کارها مهم‌ترین راهبردی است که می‌تواند کشور را در برابر هرگونه گزند محافظت کند (جعفری، ۱۳۹۵: ۹۴). لذا:

« هر چه ما ارزش‌ها را بیشتر پیاده و اعمال کنیم، جامعه‌ی اسلامی، عزیزتر خواهد شد؛ ملت اسلام قوی‌تر خواهد شد و در همه‌ی مراحل حیات، پیشرفت ما بیشتر خواهد شد ... آنچه می‌تواند شما را موفق کند، کشور را آباد کند، ملت ایران را در صحنه نگه دارد و همه‌ی نیروها را در راه این سازندگی مقدس بسیج کند، دو دستی چسبیدن به ارزش‌های اسلامی است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۰۳/۰۸).

۲ - ۴ - ۷. وحدت و انسجام

وحدت و انسجام همواره در دین مبین اسلام به عنوان اصلی اساسی و گرانقدر مورد توجه بوده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران، ۱۰۳) «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَنُوشُلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال، ۴۶). بنابراین، یکی از مواهب بزرگ الهی و یکی از مقاصد مهم مکتب حیاتبخش اسلام موضوع وحدت و همبستگی، اتحاد و انسجام است.

وحدت و انسجام ضرورتی فطری، عقلی و شرعی است که بشر برای بقای اجتماع و مدینه‌ی انسانی و برخورداری از یک زندگی مطلوب به آن احتیاج دارد. ایران اسلامی با وجود قومیت‌های متعدد، لهجه‌ها و خرده فرهنگ‌ها و همچنین اقلیت‌های دینی تاکنون توانسته است با اتحاد و وحدت کلمه از گردنه‌های پرفراز و نشیب عبور کرده و عزت و استقلال خود را حفظ کند. اما دشمنان این کشور هرگز بیکار ننشسته و همواره تلاش می‌کنند تا جهت فروپاشی نظام جمهوری اسلامی از طریق تفرقه، فرقه‌سازی‌های جعلی و تحریم‌های متعدد این اتحاد و وحدت را از بین ببرند. از این رو، حفظ و تقویت اتحاد و انسجام ملت و دولت یکی دیگر از راهبردهای اساسی در تداوم و استمرار انقلاب اسلامی و ساخت درونی قدرت محسوب می‌شود.

«امروز وحدت ملت ایران، وحدت ملت و دولت، اتحاد میان مسئولان کشور، رمز پیروزی است ... در میدان تنظیم شده ی از سوی دشمن بازی نکنید. این را مراقب باشید. همه مراقب باشند ... چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع اوست. طراحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعالان سیاسی است، منزوی کردن خط اصیل و ارزش‌های اسلامی است. این کارها، نقشه‌های دشمن است؛ سرگرم کردن جوان‌ها به هوی و هوس و لغویات و غافل کردن آنها از حرکت عمومی ملت ایران .. این‌ها نقشه‌های دشمن است. باید مراقب بود. باید در مقابل هر کاری که به این نقشه‌ها منتهی می‌شود، ایستاد. وحدت را باید حفظ کرد» (دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۷/۰۸/۰۸).

۲ - ۴ - ۸. تکیه به استعداد‌های درونی

تکیه به استعداد‌های درونی و سپردن کارها به نیروهای ارزشی و خودی، نه تنها باعث جلوگیری از به هدر رفتن منابع مادی و انسانی خواهد شد، بلکه اعتقاد، ایمان و باورهای دینی نیروهای ارزشی و استعداد‌های درونی موجب می‌شود تا نظام سیاسی در معادلات جهانی هرگز در برابر قدرت‌های سلطه‌گر سر تسلیم فرود نیآورده و «کشور را از وابستگی به بیگانگان و نیاز به دشمنان نجات خواهد داد» (بیانات در پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۳۷۱/۰۷/۱۸).

مقام معظم رهبری در مناسبتی با تاکید بر این نکته که آن چیزی که پیشرفت را برای سازمان‌ها به ارمغان می‌آورد و محیط را ماندگار و مستحکم و غیر قابل تصرف و مایه افتخار برای ملت می‌سازد، ناشی از تلاش عناصر مؤمن، با شوق و با همت است (بیانات در دیدار با کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۷۵/۱۱/۱۸)، در جایی دیگر تاکید فرمودند:

« بیشترین امید، اعتماد و تکیه‌ی ما به نیروهای ذاتی و درونی ایران اسلامی عزیز است. جوانان ما و مغزهای متفکر و دست‌های ماهر و روح‌های بزرگ سازنده و مبتکر خود ما هستند که باید ما را مجهز کنند ... ما، در راه و راه را به روی خودمان نمی‌بندیم که از امکانات جهان و فناوری جدید استفاده نکنیم. علم و فناوری متعلق به همه‌ی بشریت است و هیچ کس نمی‌تواند آن را منحصر به خود بداند و منت آن را بر سر کسی بگذارد. همه‌ی بشر در تکوین موجودی امروز مدنیت بشری، با هم سهیم بوده‌اند. ما راه را به روی خودمان نمی‌بندیم و این را حق خودمان می‌دانیم. اما ... تکیه‌ی اصلی ما به نیروهای خودی است.» ()

بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)
(۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۲ - ۴ - ۹ . اقتصاد مقاومتی

از نظر قرآن کریم یکی از مولفه‌های مهم در قوام جامعه اقتصاد است؛ به این معنا که جامعه بشری با اقتصاد، استوار و پایدار می‌ایستد: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا: اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید» (نساء، ۵) خداوند متعال در این آیه شریفه اموال یعنی امر اقتصادی را به عنوان عامل قیام جامعه معرفی می‌کند. پس نقشی که اقتصاد در جامعه ایفا می‌کند همانند ستون میانی خیمه است که خیمه را بر پا نگه می‌دارد و به آن معنا و مفهوم می‌بخشد؛ اگر اقتصاد جامعه از میان برود یا سست و ضعیف شود به همان میزان جامعه آسیب می‌بیند.

بی‌شک جامعه‌ی اسلامی باید از درون قوی و قدرتمند شود و برای بالندگی در جهان نیز باید متکی به خود باشد و برای این منظور باید خود را در برابر دشمنان در همه‌ی زمینه‌ها، از جمله اقتصاد مجهز سازد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین راهبردهای قدرتمند شدن، ناظر به مسئله‌ی اقتصادی است که اگر این امر محقق شود، اقتدار نظام اسلامی باعث هراس و سردرگمی دشمنان خواهد شد. از آنجایی که امروزه دشمنان، با سلاح اقتصاد به جنگ نظام اسلامی روی آورده‌اند، نظام اسلامی نیز باید با همان سلاح به آنها پاسخ بدهد و با اتکا به ظرفیت‌های درونی خود درهای کشور را به روی نفوذ آنها ببندد. برابر تدابیر مقام معظم رهبری این سلاح تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» نام دارد: «یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد» (بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶). معظم له در مناسبتی دیگر تحقق این راهبرد را تشکیل قرارگاه اقتصاد مقاومتی نام برده و فرمودند:

«کشور بدون اقتصاد مقاومتی رشد نخواهد کرد، مشکلات اقتصادی‌اش برطرف نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌هایش روزبه روز بیشتر خواهد شد ... بنده از برادران عزیزمان در دولت درخواست کردم که یک قرارگاه اقتصاد مقاومتی تشکیل بدهند؛ فرماندهی برایش بگذارند. جنگ است دیگر؛ جنگ اقتصادی جنگ است؛ حالا در آن توپ و تیر و تفنگ نیست اما ابزارهای خطرناک‌تر از توپ و تفنگ وجود دارد. یک جنگ است، قرارگاه لازم دارد، قرارگاه هم فرمانده لازم

دارد» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

۲ = ۴ - ۱۰ . جهاد علمی و فناورانه

اهمیت و عظمت مقام علم؛ در حدی است که خداوند در قرآن به پیامبرش دستور می‌دهد: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زم، ۹). پیامبر اسلام ﷺ نیز در مقام ارزش گذاری به علم می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (اصول کافی، ۱، ۳۵). امروزه، عرصه‌ی علم و فناوری یکی از تاثیرگذارترین و مهم‌ترین اجزای زندگی بشری به‌شمار می‌رود و کمتر کسی را می‌توان یافت که منکر اهمیت و تاثیرگذاری آن بر زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها باشد. بهره‌مندی از یافته‌های علمی و فناوری‌ها امری تازه و منحصر به عصر حاضر نیست؛ بشر از نخستین روزهای خلقت همواره به دنبال شیوه‌های تسلط بر طبیعت و ساخت ابزارهای مورد نیاز خود در جهت نیل به رفاه و آسایش بوده است. از این رو، با مرور زمان و گذار از عصر کشاورزی به عصر صنعت و همچنین ورود به عصر اطلاعات همواره علم و آگاهی بشر توسعه یافته است. به موازات توسعه‌ی علم بشری، فناوری‌ها نیز همواره دستخوش تحول گردیده به طوری که در طی دهه‌های گذشته، رفته رفته با افزایش روزافزون شتاب تحولات و پیشرفت‌های علمی و فناورانه، توانایی انسان در تغییر سبک کار و زندگی نیز دستخوش تحولات روزافزونی شده است (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). بنابراین، پیشرفت علمی و فناورانه در رسیدن به استحکام ساخت درونی نقش بسیار موثری دارد. زیرا:

«علم مایه‌ی قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزش‌های خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگویی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگویی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سال‌ها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی» (دیدار با نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵).

۳. نتیجه گیری

بی‌شک عامل اساسی و کلیدی در پیشرفت کشور استفاده از تمامی ظرفیت‌ها در داخل، به عبارتی تقویت ساخت درونی قدرت نظام است. اگرچه باید از امکانات بیرونی هم برای تقویت ساخت درونی کشور و نظام تا حد امکان بهره گرفت، اما نباید چشم امید به بیرون از کشور دوخت و چنین تصور کرد که راه حل اساسی مشکلات کشور در بیرون وجود دارد. چرا که همواره تاریخ و تجربه به ما ثابت کرده، هر ملتی که برای پیشرفت خود به بیرون متکی شده و استعداد درونی خود را مورد غفلت قرار داده است، ره‌آوردی جز شکست و وابستگی نداشته است. ملت مسلمان ایران که با شعار "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" نظام اسلامی را در ایران مستقر کرد، نشان داد که با استفاده از استعدادها و توانایی‌های فراوان خود همچنان می‌تواند با شتاب مضاعف به سوی استقلال و عزت پیش برود، اما در بیرون دشمنانی دارد که در صدر آرزوها و آمال‌شان زمین زدن این ملت و به بند کشیدن آنها است. دشمنان ملت ایران و در رأس آنها آمریکا با تحریم‌ها و فشارهایی که بر کشور وارد می‌کنند برای مردم مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد، اما درس بزرگ این دسته از اقدامات آن است که «هرچه می‌توانیم، باید به استحکام ساخت داخلی قدرت بپردازیم؛ هرچه می‌توانیم، در درون، خودمان را مقتدر کنیم؛ دل به بیرون نبندیم. آنهایی که دل به بیرون ظرفیت ملت ایران می‌بندند، وقتی با یک چنین مشکلاتی مواجه شوند، خلع سلاح خواهند شد. ظرفیت‌های ملت ایران خیلی زیاد است. ما باید بپردازیم به استحکام ساخت درونی اقتدار ملی» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۰۵/۱۲). ساخت درونی، اصول و الزاماتی دارد، پاسداشت عزت و کرامت انسانی، رعایت عدالت و برابری، اداره جامعه به شیوه محبت و عطف، اهتمام در رسیدگی به امور محرومین و مستضعفین و تقویت مشارکت مردم در امور جامعه اصول استحکام ساخت درونی قدرت می‌باشند و تقویت ایمان و معنویت، تعمیق بصیرت، ارتقای توانمندی‌ها و آمادگی‌های دفاعی، دشمن شناسایی، حاکمیت تفکر بسیجی، اتحاد و انسجام، اقتصاد مقاومتی و اتکا به نیروهای ارزشی و خودی، جهاد علمی و فناورانه از جمله راهبردهای استحکام ساخت درونی قدرت هستند. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، شناخت موانع موجود بر سر راه استحکام ساخت درونی قدرت از قبیل وجود پاره‌ای غفلت‌ها، استمرار خودباختگی به غرب و تفکرات برون نگر، کاهش روحیه انقلابی و جهادی، ضعف بینش و بصیرت و ... است که اگر به درستی و به طور کامل به آن توجه شود، مایه استحکام ساخت درونی نظام شده و با تقویت و ارتقای آنها می‌توان علاوه بر افزایش مقاومت در برابر هر نوع فشار و باج خواهی بیرونی، امنیت و آرامش را با دور کردن و از بین بردن خطر و یا تهدید در جامعه

ایجاد کرد. در این صورت جمهوری اسلامی نه تنها به الگویی برای دیگر ملت‌ها تبدیل خواهد شد، بلکه می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا کند. این ممکن است به شرط آنکه نخبگان، دانشگاهیان و دلبستگان به انقلاب و آرمان‌های آن، مسئله ساخت درونی قدرت را اهتمام داشته و راهکارهای اجرایی آن را معرفی کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. الهامی نیا (۱۳۸۳)، علی اصغر، *فضایل اخلاقی*، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات اسلامی سپاه
۳. الهامی نیا (۱۳۹۰)، علی اصغر و دیگران، *معنویت اسلامی*، قم، زمزم هدایت.
۴. باری بوزان (۱۳۹۰)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. برزنونی (۱۳۸۴)، محمدعلی، «*اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟*»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره سی و سوم، پاییز و زمستان، ۷۳-۱۵۷
۶. جعفری (۱۳۸۶)، محمد تقی، *حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام؛ اسلام و غرب*، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
۷. جعفری، سیداصغر (۱۳۹۵)، «*عوامل موثر در حفظ و توسعه ارزش‌ها مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری*»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸، بهار، ۷۷-۹۷
۸. دشتی (۱۳۷۹)، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، زهد
۹. سادات (۱۳۸۰)، محمدعلی، *اخلاق اسلامی*، تهران، سمت
۱۰. ستوده‌نیا، محمد رضا و سادات‌پور، سید هاشم (۱۳۸۹)، «*بصیرت خواص از منظر قرآن کریم*»، ماهنامه کوثر، پاییز، ش ۳۶، ۱۲۸-۱۴۷
۱۱. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۲)، *جنگ نرم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۲. عمید زنجانی (۱۳۸۸)، عباسعلی، *مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر*، تهران، مجد
۱۳. فاضل لنکرانی (۱۳۶۶)، محمد، *آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۴. قربانی (۱۳۶۷)، زین العابدین، *اسلام و حقوق بشر*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۵. قربانی (۱۳۹۲)، سعید، *علم و فناوری دفاعی در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله)*، تهران، دانشگاه مالک اشتر
۱۶. کاظمی (۱۳۷۳)، سیدعلی اصغر، *روابط بین‌الملل در تئوری در عمل*، تهران، قومس

۱۷. کلینی ۱۳۶۳، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، مکتبه الاسلامیه،
۱۸. ماهاتیر محمد (۱۳۸۲)، *جهانی که در آن به سر می‌بریم*، ترجمه محسن پاک آئین، تهران، انتشارات
اطلاعات

۱۹. مجلسی (۱۴۰۳ ه.ق.)، محمد تقی، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه دارالاحیاء التراث العربی
۲۰. محرابی، علیرضا (۱۳۸۸)، «*نقش ارزش‌گرایی دینی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*»،
فصلنامه حصون، شماره ۱۹، ۵ - ۲۲

۲۱. میرتاج‌الدینی (۱۳۷۶)، سیدمحمد رضا، *اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام*، تهران، سازمان
تبلیغات اسلامی

۲۲. هالستی (۱۳۷۶)، کی.جی. *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم
سری، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۳. نائینی (۱۳۸۶)، علی محمد، *تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها*، سایت خبرگزاری فارس (تاریخ انتشار
۸۶/۱۲/۱۵)

1. Kant, Immanuel(1948), *Groundwork of The Metaphysic of Morals*, Trans by H.J.. Pato, London, Hutchinson.
2. Sharp Gene(2005), *The Waging Nonviolent Struggle*, Boston, Extending Horizons books.
3. <http://www.leader.ir>
4. <http://www.basirat.ir>